پرسمان دینی (۱۱۰)

# غم نامه فاطمی

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بسم الله الرحمن الرحیم

**قال رسول اللّـه** صلی اللّه علیه و آله و سلم

**الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُؤْجَرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ.**

**دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای آنها پرسش است. پس بپرسید -خداوند شما را رحمت کند- که در این بین چهار تن اجر برند: آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.**

تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام ، ج۱، ص۴۱



**پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات**

یکی از اساسی ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.

# غم‌نامه فاطمی

## پرسمان دینـــی (۱۱۰)


بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

# غم‌نامه فاطمی


| | |
|---|---|
| پژوهشگران | حجج اسلام عباس محمودی و علی انجم شعاع |
| مصحح | حجت‌الاسلام رضا عطایی مرغملکی |
| ناظر | حجت‌الاسلام جواد مرادی |
| چاپ اول | پاییز ۱۴۰۲ |

# فهرست مطالب

## مقدمه

مرکز ملّی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن»، حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیهٔ مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعهٔ پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند.

این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ پیرامون زندگی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است که با عنوان « غم نامه فاطمی» تدوین شده است.

رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.

در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی

## ۱. اسوه بودن حضرت زهرا

***پرسش:***

دو روایتی از امام حسن عسکری و امام زمان علیهما السلام وجود دارد که فرموده اند حضرت زهرا سلام الله علیها «اسوه و حجت برای ما هستند» آیا این دو روایت صحیح هستند و در منابع معتبر شیعه نقل شده است؟

***پاسخ:***

واژه حجت دایره معنایی نسبتا گسترده‌ای دارد که برخی معانی و کاربردهای آن عبارت اند از دلیل و برهان، میزان، شاخص، الگو و پیشوا. زمانی که فردی به عنوان حجت معرفی می شود یعنی اینکه کردار، رفتار و گفتار او برای دیگران شاخص قرار می گیرد و می تواند برای دیگران الگو باشد. مثلا اگر شخصی که با زحمت بسیار و وجود موانع متعدد درس خوانده است را به عنوان حجت برای دانش آموزان معرفی می کنند، کسانی که از شرایط بهتری برخوردار هستند نمی توانند دلیل و بهانه ای برای درس نخواندن بیاروند. این نوع از حجت می تواند به الگو بودن نیز تعبیر شود و حجت بر افراد می تواند به عنوان الگو و اسوه ای نیز محسوب شود. با این مقدمه می توان دریافت که معصومان علیهم السلام در چنین جایگاهی قرار دارند که حجت بر دیگران باشند و زندگی ایشان حجت را بر مردم تمام کرده و افزون بر الگو و پیشوا بودن، شاخصی برای سنجش بندگی مردان در قیامت نیز محسوب شوند. بر همین اساس و برخی گزارشات، پرسشی به وجود می آید که آیا حضرت زهرا سلام الله علیها

نیز دارای چنین ویژگی مشترکی با دیگر معصومان هستند؟ در ادامه به پاسخ این پرسش پرداخته خواهد شد.

## الف) بررسی سندی

در برخی منابع شیعه، حدیثی به نقل از امام حسن عسکری علیه السلام بیان شده است که درباره مادرشان حضرت فاطمه سلام الله علیها چنین می فرمایند:

«نحن حجج اللّه علی خلقه و جدّتنا فاطمه حجه اللّه علینا؛[۱]

ما (امامان) دلیل های خداوند بر مردم هستیم و جده ما، حضرت فاطمه سلام الله علیها، حجت و دلیل خدواند بر ما هستند.»

این روایت نخستین بار در کتاب «*عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآ یات و الأخبار و الأقوال*» گزارش شده است. نویسنده این اثر «ملا عبد الله بحرانی» از عالمان قرن دوازدهم و از شاگردان علامه مجلسی است. وی تلاش کرده کتابش، در واقع مستدرک و تکمیل کننده‌ای برای کتاب بحار الانوار علامه مجلسی باشد که از نظر حجم نیز از کتاب بحارالانوار، گسترده تر بوده است.[۲] اما درباره این روایت، نکته عجیبی که وجود دارد این است که مرحوم بحرانی آن را از منبعی با عنوان «*اطیب البیان*» گزارش کرده است و برخی محققان نیز به خطا آن را «*اطیب البیان فی تفسیر القرآن*»

---

۱. بحرانی، عبدالله، *عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآ یات و الأخبار و الأقوال*، ج۱۱، ص۱۰۳۰.

۲. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، *الذریعه إلی تصانیف الشیعه*، ج۱۵، ص۳۵۶.

پنداشته اند؛ حال آنکه نویسنده این اثر تفسیری، مرحوم «سید عبدالحسین طیب» از عالمان و مفسران اهل اصفهان است که در محرم ۱٤۱۲ق، درگذشته است.[۱] اثر دیگری با عنوان اطیب البیان در منابع و نرم افزارهای مربوط به منابع و نسخه شناسی یافت نشد.

با این شرایط، روایت از نظر منبع دچار مشکل بیشتری خواهد شد؛ چراکه افزون بر متاخر بودن کتاب عوالم، منبع دقیق نقل روایت نیز ناشناخته است.

## ب) بررسی محتوایی

از نظر محتوایی می توان چنین گفت که معصومان علیهم السلام در جنبه حجت بودن بر مردم مشترک هستند و حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از این قاعده مستثنا نیستند مانند آنچه در برخی ادعیه آمده:

«يَا فَاطِمَهُ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَيَّتُهَا الْبَتُولُ يَا قُرَّهَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا بَضْعَهَ النَّبِيِّ يَا أُمَّ السِّبْطَيْنِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِکِ إِلَى اللَّه؛[۲] روشن است که حضرت زهرا سلام الله علیها نیز مانند دیگر معصومان علیهم السلام به عنوان حجت و دلیل خداوند بر مردمان تعیین شده است اما اینکه ایشان چنین جایگاهی را نسبت به دیگر معصومان داشته باشند و حجت خدا بر آنها باشند، نیازمند دلایل قویتری است.»

---

[۱]. امین، سید حسن، *مستدرکات أعیان الشیعه*، ج۷، ص۱۲۱.

[۲]. مجلسی، محمد باقر، *زاد المعاد– مفتاح الجنان*، ص۴۰۰.

با این حال در توقیعی که از سوی امام عصر علیه السلام صادر شده، عبارتی وجود دارد که ممکن است برخی به آن استدلال کنند:

«وَ فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِی أُسْوَهٌ حَسَنَه؛[۱] فاطمه زهرا، دختر رسول خدا، برای من، در این مسئله، الگوی خوبی است.»

باید به علت صدور این کلام از حضرت، توجه نمود تا برداشت صحیحی به دست آید. این عبارت در واقع پاسخِ نامه ای از طرف شیعیان است که با فردی به نام ابن ابی غانم، پیرامون موضوع جانشینی برای حضرت امام عسکری علیه‌السلام دچار اختلاف نظر شده بودند. حضرت نیز پاسخِ نامه را نوشته و در انتهای نامه حضرت زهرا سلام الله علیها را در موضوع جانشینی و خلافت، به عنوان الگو و اسوه ای برای خود معرفی می نمایند. بنابراین منظور حضرت، الگو کلی و مطلق نبوده و نمی‌توان این روایت را تاییدی برای اثبات جایگاه حجیت حضرت فاطمه سلام الله علیها، بر دیگر معصومان دانست. البته برخی فضیلت‌ها، امتیازات و تفاوت‌ها بین معصومان مشاهده می‌شود که ناشی از شرایط گوناگون حیات دنیایی ایشان است؛ به همین دلیل است که برای حضرت زهرا سلام الله علیها نیز مقام ویژه ای قابل تصور می باشد.

## نتیجه:

معصومان علیهم السلام دارای جایگاهی هستند که به عنوان حجت، دلیل و الگوی مردمان تعیین و معرفی شده اند و حضرت زهرا سلام الله

[۱]. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبه*، ص ۲۸۶.

علیها نیز در این ویژگی با دیگر معصومان مشترک است. در روایتی از امام عسکری علیه السلام، حضرت فاطمه سلام الله علیها به عنوان حجت خداوند بر دیگر معصومان علیهم السلام معرفی شده اند که با توجه به ضعف در منابع نقل این روایت، پذیرش آن سخت به نظر می رسد. در روایت دیگری، امام زمان علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها را به عنوان اسوه خود معرفی می کنند که با توجه به محتوای روایت، این الگو بودن مربوط به یک موضوع خاص (جانشینی) بوده است. با این حال مقام بالا و والای حضرت زهرا سلام الله علیها آنقدر ارزشمند و ستودنی است که جلوه های مختلف آن در بیانات مختلفی از معصومان علیهم السلام گزارش شده و قابلیت الگوگیری از آن صفات برای همه به خصوص زنان و دختران مومن، وجود دارد.

## کلمات کلیدی

فاطمه زهرا، اسوه، حجت الهی، مقام حضرت فاطمه.

## ۲. افسانه دعوای حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام

***پرسش:***

آیا درست است پیامبر صلی الله علیه و آله، حدیث: فاطمه پاره قلب من است را به خاطر بد رفتاری حضرت علی با حضرت فاطمه فرموده اند؟

***پاسخ:***

در جوامع حدیثی شیعه و اهل تسنن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد من را آزرده است». این حدیث در مواقع و موارد مختلف، توسط راویان متعدد گزارش شده است و نشان از فضل و مقام والای حضرت زهرا سلام الله علیها دارد. با این حال، نقلی از برخی منابع وجود دارد که امیرالمومنین علیه السلام به جهت خواستگاری از دختر ابوجهل، سبب ناراحتی حضرت زهرا سلام الله علیها شد و نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه وآله شکایت کرد و ایشان نیز در مقابل امام علی علیه السلام و در دفاع از دخترشان، این جمله را بیان فرموده: «فَاطِمَة بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيبُنِي ما أَرَابَهَا وَيُؤْذِينِي ما آذَاهَا».

### الف) متن حدیث

اهل سنت از شخصی به نام «الْمِسْوَرِ بن مَخْرَمَةَ» حدیثی نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد من را آزرده است» را ناظر به اتفاقی که بین حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام پیش آمد، بیان کرده است! یکی از این احادیث چنین است:

مسور بن مخرمه می گوید:

«علی علیه السلام به خواستگاری دختر ابوجهل رفت، فاطمه سلام الله علیها شنید، نزد پدر آمد و عرض کرد: اطرافیانت گمان می کنند برای دخترانت ناراحت و خشمگین نمی‌شوی، علی قصد ازدواج با دختر ابوجهل را دارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابوالعاص بن ربیع را به دامادی پذیرفتم چون صادق و راستگو بود، همانا بدانید، فاطمه پاره تن من است، دوست ندارم چیزی ناراحتش کند، به خدا سوگند! دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا در یک جا جمع نمی شوند، پس از این بود که علی از خواستگاری دختر ابوجهل منصرف شد.[۱]

روایات دیگری نیز در کتاب های اهل سنت وجود دارد که مضمون آن ها شبیه همین روایت است.[۲]

## ب) اشکالات سندی و محتوای حدیث

این احادیث از جهت محتوا و سند دارای اشکالات متعددی هستند. در ادامه ابتدا به معرفی راوی این جریان پرداخته و در بخش بعدی محتوای آن بررسی می شود.

---

۱. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، *صحیح البخاری*، ج ۳، ص۱۳۶۴، ح۳۵۲۳.

۲. رجوع کنید: بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، *صحیح البخاری*، ج ۵، ص۲۰۰۴، ح۴۹۳۲.

## ۱- اشکالات سندی

راوی داستان «الْمِسْوَرِبن مَخْرَمَةَ» است؛ این شخص جزء خوارج و از دشمنان امام علی علیه السلام بود. [۱] او همچنین از دوستداران معاویه بود و به حدی به وی علاقه داشت که با بردن نام معاویه، بر او دردود می فرستاد. [۲] مسور بن مخرمه از یاران عبد الله بن زبیر نیز بود. دشمنی ابن زبیر با امام، کاملا مشخص است به گونه ای که در خطبه‌هایش صلوات فرستادن بر پیامبر را حذف کرده بود و هنگامی که علتش را جویا شدند، گفت: برخی از منسوبین رسول خدا صلی الله علیه و آله آدم های بدی هستند؛ چون از شنیدن نامش گردن ها دراز کرده، خوشحال شده و بر خود می بالند. [۳]

حال آیا شخصی که به عداوت اهل بیت علیهم السلام و دوستی با دشمنان امام علی علیه السلام معروف بوده، سخنش قابل پذیرش است؟

از سوی دیگر، «مسور بن مخرمه» بعد از هجرت به دنیا آمده است و بنابر نقل تاریخ، داستانی را که «مسور» نقل کرده است باید در شش یا هفت سالگی ایشان اتفاق افتاده باشد. [۴] چگونه قابل پذیرش است که از میان آن همه صحابی، فقط یک بچه شش ساله آن را شنیده و نقل کرده است؛ مشخص نیست که چرا بقیه اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله که در مسجد حاضر بودند، این قضیه را نشنیده و نقل نکرده اند؟

---

[۱]. رجوع کنید: ذهبی، شمس الدین محمد، *سیر أعلام النبلاء*، ج۳، ص۳۹۱.

[۲]. ذهبی، شمس الدین محمد، *سیر أعلام النبلاء*، همان، ج۳، ص۳۹۲.

[۳]. بلاذری، أحمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، ج۷، ص۱۳۳.

[۴]. رجوع کنید: عسقلانی شافعی، أحمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، ج۱۰، ص ۱۳۷.

شیخ صدوق روایت مفصلی را در این باره، به نقل از امام صادق علیه السلام بیان می کند که آن حضرت به افسانه بودن این قضیه تصریح می کند، حدیث چنین است:

علقمه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! مردم به ما کارهای زشتی نسبت می دهند؛ به طوری که سینه ما تنگ شده و شدیداً ناراحت می شویم فرمود: ای علقمه انسان نمی تواند خشنودی مردم را جلب نموده و جلو زبان آن ها را بگیرد. چگونه سالم می مانید از چیزی که انبیاء و پیامبران و اوصیاء علیهم السلام از او سالم نماندند ... آیا در باره پیامبر صلی الله علیه و آله نگفتند که او در باره پسر عمش علی علیه السلام نظر خصوصی دارد و طبق هوای نفس خود سخن می گوید تا اینکه خداوند دروغ آنان را روشن ساخت و این آیه را نازل فرمود: وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ؟...

آیا نسبت ندادند که او می خواهد با دختر ابوجهل با داشتن فاطمه زهرا علیها سلام ازدواج کند و اینکه پیامبر در حضور مسلمین بالای منبر از او شکایت کرد و فرمود: «مردم! علی تصمیم گرفته دختر دشمن خدا را بر سر دختر پیامبر خدا بیاورد. آگاه باشید فاطمه پاره تن من است هر که او را آزار دهد مرا آزاد داده و هر که او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده و هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است».[1]

[1]. شیخ صدوق، أبو جعفر محمد، *الأمالی*، ص۱۶۵.

## ۲- اشکالات محتوایی

همانگونه که بیان شد این گزارش از جهت دلالتی و متنی نیز دارای اشکالات متعدد است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. چگونه ممکن است که بین علی و فاطمه علیهما السلام خصومت و اختلاف باشد، در حالی که این دو بزرگوار به تصریح آیه تطهیر معصوم هستند و حضرت فاطمه پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین نَفس ایشان است.

۲. به تصریح قرآن کریم،[۱] مردها اجازه دارند که با چهار زن ازدواج کنند، حال چگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمومنین علیه السلام را از ازدواج منع می کند در حالی که خود فرمود: «من هرگز حلالی را حرام و حرامی را حلال نمی کنم». از سوی دیگر بدیهی است خداوند طلاق را به دست مرد قرار داده و هرگز زن و پدرش حقّ طلاق گرفتن ندارند پس چگونه در این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است اگر علی علیه السلام با دختر ابوجهل ازدواج کند باید فاطمه سلام الله علیها را طلاق دهد!

۳. مهم ترین منبع برای سنجش درستی و نادرستی یک حدیث، عرضه آن به قرآن کریم است، همچنان که ابن عباس نیز از پیامبر نقل می کند «آنچه مخالف قرآن است، از القاء های شیطان است».[۲]

---

[۱]. سوره نساء، آیه ۳.

[۲]. سیوطی، عبد الرحمن بن الکمال، *الدر المنثور*، ج ۱، ص ۴۰۳.

همان گونه که اشاره شد در قرآن کریم برای مرد، جواز ازدواج با چهار زن با شرایط آن وجود دارد، پس طبیعتا این سخن منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله مخالف قرآن کریم است.

٤. دختر ابی جهل مسلمان بود، اگر ازدواج با دختر ابی جهل فقط به خاطر این که پدرش کافر بوده است اشکال دارد پس چگونه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با ام حبیبه که دختر دشمن خدا ابوسفیان بوده ازدواج کرده‌اند! [1]

## ۳. صدور حدیث در زمان و مکان های مختلف

یکی دیگر از دلائل مهم بر جعلی بودن این داستان، صدور حدیث «فاطِمةُ بَضْعةُ منّی» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکان و زمان های مختلف و با تعابیر گوناگون است. حضرت در موارد متعدد فرمودند: فاطمه پاره تن من است و هرکس او را بیازارد گویی مرا آزرده است. این روایات را با اختلاف لفظی که دارند، بزرگان حدیث اهل سنت در کتاب های سنن و مسانید و معاجم نقل کرده اند؛ مرحوم علاّمه در کتاب الغدیر ۵۹ نفر از راویان این روایات را نام می برد.[2]

---

[1]. مجلسی، محمد تقی، *روضة المتقین*، ج ۸، ص ۱۲۴.

[2]. رجوع کنید: امینی، عبد الحسین، *الغدیر*، ج ۷، ص۲۳۲، برگرفته از کتاب الکترنیکی سایت کتاب خانه مدرسه فقاهت، ۱۴۰۰/۱۱/۵

از سوی دیگر امیرالمومنین علیه السلام تصریح می کند که هیچگاه فاطمه سلام الله علیها را به خشم نیاوردم، فرمودند:

«فَوَ اللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَي أَمْرٍ حَتَّي قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا أَغْضَبَتْنِي وَ لَا عَصَتْ لِي أَمْراً وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَان؛[1] به خداوند سوگند! من هیچگاه فاطمه را خشمگین و ناراحت نکردم تا از دنیا رحلت نمود. فاطمه هم مرا خشمناک نکرد و از من نافرمانی ننمود. هر گاه من محزون و اندوهناک می شدم برای رفع غم و اندوه خود به چهره فاطمه نگاه می کردم.»

بنابراین با توجه به بررسی سندی و اشکالات متعدد محتوایی این داستان، نمی توان آن را به عنوان داستان واقعی و حدیث صحیح پذیرفت. البته اشکالات متعدد دیگری در متن و سند این حدیث وجود دارد که به دلیل طولانی شدن بحث از ذکر آن خودداری شد.

## نتیجه:

با توجه با اشکالات متعدد سندی و محتوایی، این مطلب به خوبی روشن می گردد که، خواستگاری امیرمؤمنان علیه السلام از دختر ابوجهل، از افسانه های جعلی دشمنان حضرت است. آشکار بودن دشمنی راوی این داستان با امیرالمومنین علیه السلام، نقل نکردن آن توسط هیچ کدام از

---

[1]. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، دار الأضواء، ج ۱ ص ۳۷۳،

صحابه، تعارض روایت با قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و صدور حدیث «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی» در مکان ها و زمان های مختلف و با عبارات گوناگون از جمله دلائل جعلی بودن روایت «مِسْوَرِ بن مَخْرَمَةَ» است. البته چه بسا با طراحی چنین داستان، سعی در توجیه خشم حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به برخی از صحابه را داشته باشند؛ حال آن که داستان این ازدواج دروغ و غضب صدیقه شهیده سلام الله علیها از برخی افراد حقیقتی انکار ناپذیر است.

**کلمات کلیدی:**

دعوای حضرت زهرا، مقام حضرت زهرا، روایت بضعه.

## ۳. عتاب حضرت زهرا به امام علی علیه السلام

***پرسش:***

یکی از غیر شیعیان از من پرسید: طبق روایت شیعیان، حضرت زهرا سلام‌الله علیها پس از بازگشت از مسجد و ایراد خطبه در آنجا به امام علی علیه‌السلام عتاب نمودند که شما مانند جنین در خانه نشسته ای و آن‌ها حق من و تو را غصب کردند. مگر شما معتقد نیستید که فاطمه زهرا معصوم است، آیا یک معصوم با معصوم دیگر دعوا می کند؟

***پاسخ:***

مطابق تعالیم اسلامی، اهل‌بیت علیهم‌السلام نوری واحد هستند که کلامشان موجب رشد و تعالی افراد است. ایشان به جهت عصمت و پاکی روح و بدن، از هرگونه خطا و اشتباه در امان هستند. بنابراین هیچ وقت، کلام دو معصوم با یکدیگر اختلاف پیدا نمی کند؛ البته ممکن است اختلاف ظاهری از کلام معصومان علیهم السلام برداشت شود که اگر فهم صحیحی از آنها ارائه گردد، آن اختلاف ظاهری کلام نیز رفع خواهد شد. در منابع شیعه حدیثی وجود دارد که گویا بین حضرت علی و فاطمه زهرا علیهماالسلام در موضوع غصب خلافت و مصادره فدک اختلافی صورت گرفته است. در ادامه متن این روایت ارائه و توضیحاتی پیرامون آن داده می‌شود.

### ۱–متن روایت

حدیثی در کتاب «*الاحتجاج*» با موضوع غصب خلافت و مصادره باغ فدک توسط خلفا وجود دارد. در این روایت حضرت فاطمه علیهاالسلام با غاصبان به بحث پرداخته و از حقوق خود و امامش دفاع نموده است. در

بخشی از این روایت آمده است که حضرت زهرا سلام‌الله علیها پس از برگشتن به خانه، با امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز به صحبت نشسته و در این موضوع مطالبی را بیان فرموده است که در ادامه خلاصه ای از ترجمه آن ارائه می گردد:

«پس هنگامی که حضرت زهرا علیهاالسلام به خانه بازگشت، خطاب به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام فرمود: ای پسر ابوطالب، همچون کودکی که در شکم مادر جمع شده و زانو در بغل گرفته و همانند آدم‌های ظنین و متهم به گوشه‌ای نشسته‌ای؟ تو کسی بودی که بال‌های باز شکاری (شجاعان عرب) را در هم کوبیدی، حال بی‌سلاحان به تو خیانت کرده‌اند؟! ... نه پاسخ گوینده‌ای را می‌دهی، و نه سخن یاوه‌ای را ممنوع می‌سازی، من نیز دیگر هر چاره‌ای را از کف داده‌ام، ای‌کاش پیش‌ازاین خواری مرده بودم، عذرخواه که من این حرف‌ها که با تو گفتم. همانا خدا کمک‌کننده من است، چه مرا وابگذاری و یا حمایت نمایی!...»

آنگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جواب حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

«ای دختر بهترین انبیاء بر تو هیچ ویل و وای مباد! که ویل و وای برای دشمن بدخواه تو است! ای دختر برگزیده عالمیان، غم و اندوه خود فرو نشان، و بدان که من هرگز در دینم سستی نکرده و از حد توانم خارج نشده‌ام ... کار را به خدا واگذار!»

پس حضرت زهرا علیها السلام آرام گشته و عرض کرد: خدا مرا کافی است و او بهترین وکیل است، و دیگر چیزی نگفت.[۱]

## ۲- اعتبار روایت

این روایت به‌صورت مرسل (بدون اتصال سند به معصوم علیه‌السلام) به این صورت «رَوَی عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام» نقل شده است. البته این حدیث در کتاب الدرالنظیم با اختلاف متن زیاد و با سند متصل منعکس شده است.[۲] در کتاب *مناقب آل ابی‌طالب علیه‌السلام* نیز فقط بخش سخنان فاطمه زهرا سلام‌الله علیها با امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان شده است.[۳] اشکال دیگر این روایت ذکر نشدن آن در مصادر معتبر و قدیمی شیعه است. اولین منبعی که به ذکر این سخنان پرداخته، کتاب الاحتجاج در قرن شش هجری است.

## ۳-توضیح روایت

در ابتدا باید تأکید داشت که اهل‌بیت علیهم‌السلام همگی معصوم هستند و بین آن‌ها اختلاف‌نظر و دعوایی وجود ندارد. بنا بر آیات قرآن کریم، ایشان از هر گناهی مبرا بوده و پاکیزه مطلق هستند:

---

[۱]. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج*، ج ۱، ص ۱۰۷.

[۲]. شامی، یوسف بن حاتم، *الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللهامیم*، ص ۴۷۹.

[۳]. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، ج ۲، ص ۲۰۸.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾؛[۱]
بی‌گمان، خدا اراده کرده است تا آلودگی را از شما اهل‌بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

بنابراین معصومان علیه‌السلام از هرگونه اختلافی به دور بوده و در نتیجه در صورت چشم پوشی از سند روایت، چنین مکالمه‌ای بین دو معصوم حتماً دلیلی دارد. یکی از بهترین راه‌ها برای پی بردن به معنای واقعی یک روایت، توجه به فضای صدور آن است. این حدیث در وقتی صادر شده که پیامبر صلی‌الله علیه و آله به‌تازگی رحلت فرموده و جمعی درصدد غصب خلافت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و مصادره فدک از صدیقه طاهره بودند. بنابراین باید توجه داشت که فضای صدور این روایت در کشمکش بین غصب ولایت و بیان حقیقت توسط اهل‌بیت علیهم‌السلام است. سخنان فاطمه زهرا سلام‌الله علیها نیز در این خطابه اگرچه خطاب به امام علیه‌السلام است ولی مقصود آگاهی دادن به مردم است. در ادامه دلایلی که برای این توضیح وجود دارد ارائه می‌شود:

## ۴- دلائل عتاب حضرت زهرا سلام الله علیها

۱-در روایاتی بیان شده که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به جهت مصالح مسلمین، مأمور به صبر بودند و لذا در مقابل غاصبان به مقابله و جنگ نپرداختند.[۲] اما با جست‌وجو در منابع، هیچ روایتی یافت نشد که حضرت

---

[۱]. سوره احزاب، آیه ۳۳.

[۲]. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی (ط – الإسلامیه)*، ج ۱، ص ۲۸۱.

زهرا سلام‌الله علیها نیز چنین مأموریتی داشته‌اند. بنابراین دفاع از حریم ولایت بر عهده ایشان بود و آن حضرت ابتدا در بحث و استدلال با متخاصمان به این دفاع مقدس پرداخته و سپس با ابراز چنین کلماتی در حضور امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مظلومیت حضرت امیر علیه‌السلام را بیان نمودند.

در قرآن مجید نمونه‌ای مشابه با این قضیه وجود دارد. در قضیه گوساله‌پرست شدن بنی‌اسرائیل بعد از غیبت حضرت موسی علیه‌السلام، ایشان با عتاب با هارون برادر خویش برخورد کردند. این در حالی بود که گوساله‌پرست شدن بنی‌اسرائیل تقصیر هارون نبوده است.[1] چنین برخوردی از حضرت موسی علیه‌السلام برای نشان دادن اهمیت موضوع، اشتباه مردم و همچنین بی‌تقصیری هارون بوده است.

در روایت مورد بحث نیز با این سخنان حضرت فاطمه سلام‌الله علیها و جواب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر همگان ثابت می‌شود حضرت امیر علیه‌السلام در این قضیه سهل‌انگاری نفرموده و مظلوم واقع شده است. این مفهوم را می‌توان از این سخن حضرت که «بدان که من هرگز در دینم سستی نکرده و از حد توانم خارج نشده‌ام.» برداشت نمود.

۲- یکی از وظایف زن برای خروج از منزل، اجازه گرفتن از شوهر خویش است.[2] بنابراین خارج شدن فاطمه زهرا سلام‌الله علیها از منزل و سخنرانی ایشان در مسجد قطعاً با اجازه همسرش امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده است.

---

[1]. سوره طه، آیه ۹۲.

[2]. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج۵، ص ۵۰۸.

پس می‌توان گفت که سخنان حضرت فاطمه سلام‌الله علیها با هماهنگی حضرت امیر علیه‌السلام بوده و نه‌تنها هیچ دعوایی بین آن دو حضرات وجود نداشته بلکه در راستای آگاهی همگان به بیان مظلومیت همسر خویش بوده است.

۳- یکی از قرائنی که نشان می‌دهد این سخنان در جهت دفاع از حریم ولایت و نه در مقام ملامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، خطاب امام علی علیه‌السلام به «ای پسر ابوطالب» است. حضرت زهرا سلام‌الله علیها به‌جای استفاده از عباراتی مثل «یابن الحسن» و یا «پسر عمو»، از عباراتی محکم و رسمی استفاده می‌کنند. این طرز صحبت نشان‌دهنده هدف ایشان، اطلاع‌رسانی چنین اتفاق ناگواری به همگان، بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه رابطه سببی یا نسبی است.

٤- برای فهم کامل حدیث باید به‌تمامی قسمت‌های آن دقت نمود. در فقرات پایانی این روایت آمده است که حضرت فاطمه سلام‌الله علیها از بیان چنین سخنانی عذرخواسته است و امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در جواب بیان فرموده‌اند که هیچ اشکالی بر سخنان حضرت فاطمه سلام‌الله علیها نیست و درواقع مقصر اصلی غاصبان خلافت هستند. همچنین حضرت با بیان جمله «بدان که من هرگز در دینم سستی نکرده و از حد توانم خارج نشده‌ام.» نشان می‌دهند که از جانب خودشان نیز کم‌کاری صورت نپذیرفته است. بنابراین با استناد به این بخش از روایت نیز مشخص می‌شود که هیچ دعوایی بین حضرات وجود نداشته و هم سخنان حضرت

زهرا سلام‌الله علیها در جهت اطلاع عمومی و هم خانه‌نشینی حضرت امیر برای مصالحی بوده است.

**نتیجه:**

با توجه به آموزه‌های اسلامی، اهل‌بیت علیهم‌السلام مصون از هر اشتباه و خطایی هستند. بنابراین چنانچه در دو سخن از معصومان اختلافی وجود داشته باشد باید با قرائن و شواهد به دنبال رفع این اختلاف بود. در روایت مورد بحث نیز مشخص شد که سخنان حضرت زهرا سلام‌الله علیها در جهت اطلاع عمومی و نشان‌دهنده مظلومیت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. این توضیح را می‌توان از آیات قرآنی مشابه، توضیحات حضرت امیر در مورد خانه‌نشین شدن، ادبیات رسمی حضرت زهرا در سخنان خویش و عذرخواهی ایشان برداشت نمود.

**کلمات کلیدی:**

خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها، غصب خلافت، سقیفه، فدک.

## ۴. منابع خطبه فدکیه

***پرسش:***

خطبه معروف حضرت زهرا سلام الله علیها که معروف به خطبه فدکیه است، در چه منابعی از شیعه بیان شده است؟ آیا در منابع اهل سنت نیز وجود دارد؟

***پاسخ:***

خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد النبی و در حضور بسیاری از انصار و مهاجرین ایراد فرمودند، یکی از اسناد و مدارک تاریخی مهم مربوط به وقایع صدر اسلام است. یکی از راه های اعتبارسنجی روایت، اعتبار منابع آن است. هرچه منابع یک حدیث از اعتبار بیشتری برخوردار باشند جایگاه و اعتبار بیشتری نصیب آن روایت می گردد. در تحقیق حاضر نیز به منابع حدیثی شیعه و سنی که این خطبه را بیان کرده اند، اشاره خواهد شد.

### ۱- منبع یابی خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

اولین منبع موجود که خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل کرده، مربوط به قرن سوم هجری قمری است. البته برخی از کتابهای قبل از قرن سوم، نیز این خطبه را نقل کرده بودند که متاسفانه از بین رفته اند؛ یکی از این آثار، کتابی با عنوان خطبه الزهرا سلام الله علیها، تالیف لوط بن یحیی، معروف به أبو مخنف أزدی (م۱۵۷ق) بوده است. اما منابعی که هم

اکنون در دسترس است و خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل کرده اند متعدد هستند. در این تحقیق با ارائه دو بخش به گزارشی از آنهاپرداخته خواهد شد. یادآوری می گردد که در این تحقیق همه منابع خطبه ذکر نمی شود بلکه به عنوان نمونه، برخی از منابع شیعه و اهل سنت آورده می شود.

### الف. منابع شیعه

ابتدا به منابع کهن شیعه که این خطبه در آنها نوشته شده، اشاره می شود:

۱. مختصر بصائر الدرجات

حسن بن سلیمان حلّی از عالمان شیعه در قرن هشتم هجری قمری بوده است.[۱] وی کتاب *بصائر الدرجات* تالیف سعد بن عبدالله اشعری قمی که از عالمان شیعه در قرن سوم هجری قمری بوده را تلخیص نموده است گرچه اصل کتاب *بصائر الدرجات* از بین رفته اما وجود خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در مختصر البصائر، حاکی از وجود این خطبه در کتاب *بصائر الدرجات* است.[۲]

۲. شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار

این کتاب توسط نعمان بن محمد، معروف به قاضی نعمان مغربی، متوفای ۳٦۳ هجری قمری تالیف گردیده است. کتاب شرح الأخبار فی فضائل

---

۱. تاریخ دقیق وفات ایشان مشخص نیست. در این پاسخ، مولفانی که تاریخ دقیق وفات آنها مشخص نیست، به صورت قرن آمده است.

۲. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، ص۴۵۶.

الأئمه الأطهار علیهم السلام بر خلاف نامش منحصر به فضائل و مناقب ائمه علیهم السلام نیست بلکه یک دوره تاریخ امامان علیهم السلام از امیر المؤمنین علیه السلام تا پایان زندگی امام صادق علیه السلام است. گرچه قاضی نعمان از علمای اسماعیلی است اما با توجه به اشتراک عقیده مؤلف تا امام ششم، مباحثی که در این کتاب آمده با روایات شیعه اثنی عشری مطابقت دارد. بخشی از خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در این آمده است که با توجه به قدمت کتاب، از جایگاه ویژه ای برخوردار است.[۱]

۳. من لا یحضره الفقیه

نویسنده کتاب، محمد بن الحسین، معروف به شیخ صدوق از عالمان بزرگ شیعه متوفای ۳۸۱ هجری قمری است. *کتاب من لا یحضره الفقیه* از منابع اصلی حدیثی شیعه و از کتب اربعه شیعه است. وجود روایت در کتب اربعه به آن اعتبار مضاعف می بخشد. بخشی از خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب آمده است.[۲]

٤. علل الشرائع

شیخ صدوق در علل الشرایع نیز بخشی از این خطبه را آورده است.[۳]

---

[۱]. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام*، ج۳، ص۳۴.

[۲]. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ج۳، ص۵۶۷.

[۳]. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، ج۱، ص۲۴۸.

## ب. منابع سنی

در این بخش به برخی از مهم ترین کتاب های اهل سنت که خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل کرده اند، اشاره خواهد شد.

۱. بلاغات النساء

این کتاب، تالیف أبوالفضل أحمد بن أبی طاهر، معروف به ابن طیفور، متوفای ۲۸۰ هجری قمری است. وی مورخ و نویسنده اهل سنت بوده است. کتاب بلاغات النساء، سخنان زنان برجسته در مناسبت های مختلف را جمع آوری نموده است.[۱]

نکته قابل توجه در مورد این کتاب آن است که گرچه مولف کتاب، سنی است اما عالمان شیعه نیز به آن توجه داشته اند به عنوان نمونه، علامه مجلسی، خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را از آن کتاب نقل نموده است. بلاغات النساء از قدیمی ترین منابع موجود است که خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل نموده است.[۲]

۲. السقیفه و فدک

السقیفه و فدک، تألیف أحمد بن عبد العزیز از محدّثان اهل سنت در قرن چهارم هجری است. او مورخ، ادیب و شاعر توانایی بود و در علم حدیث نیز تبحر داشت و از جمله محدثان مشهور آن عصر به شمار می آمد. این

---

۱. ر.ک: زرکلی دمشقی، خیرالدین بن محمود، *قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین (الأعلام)*، ج۱، ص۱۴۱.

۲. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، *بلاغات النساء*، ص۲۸.

کتاب اکنون موجود نیست؛ اما ابن ابی‌الحدید در شرح *نهج البلاغه*، بخش هایی از این کتاب را نقل نموده است. کتابی که اکنون به نام السقیفه و فدک از احمد بن عبدالعزیز جوهری، وجود دارد، مطالب جمع آوری شده از شرح *نهج البلاغه* است. جوهری، بخش هایی از این خطبه را با دو طریق با ذکر سلسله اسناد آورده است.[۱]

۳. منال الطالب فی شرح طَوال الغرائب

مبارک بن محمد الجزری معروف به ابن اثیر از عالمان اهل سنت در قرن ششم و هفتم بوده است. ابن اثیر، رجالی، مفسر، محدِّث و فقیه شافعی مذهب بوده است. وی کتابی در احادیث غریب با نام «*النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*» دارد که بسیار معروف است. کتاب دیگری که وی در احادیث غریب تالیف نموده، «*منال الطالب فی شرح طَوال الغرائب*» است. در این کتاب، احادیث غریبی که متنی طولانی دارند آمده است. از جمله روایاتی که در این کتاب آمده، خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها است که به طور کامل همراه با شرح لغات آورده است.[۲]

٤. تذکره الخواص من الأمّه فی ذکر مناقب الأئمه

ابو مظفر یوسف بن قُزُغْلی بن عبدالله، معروف به سبط ابن جُوزی حنفی از عالمان اهل سنت، متوفای ٦٥٤ هجری قمری است. ابن جوزی، کتاب *تذکره الخواص* که در فضائل اهل بیت علیهم السلام است را در دوازده

[۱]. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، *السقیفه و فدک*، ص۱۳۹.

[۲]. مبارک بن محمد، ابن اثیر، *منال الطالب فی شرح طوال الغرائب*، ص۵۰۱-۵۰۷و۵۲۸-۵۲۹.

باب تنظیم نموده و هر باب را به یکی از امامان علیهم اللسام اختصاص داده است. این اثر به زبان فارسی نیز ترجمه گردیده. وی در این کتاب بخشی از خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل کرده است.[۱]

۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبهالله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابی‌الحدید مداینی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی از عالمان بزرگ اهل سنت در قرن ششم و هفتم هجری قمری است. مهمترین اثر وی، *شرح نهج البلاغه* است بسیار مشهور بوده و همواره مورد توجه عالمان شیعه قرار گرفته است. ابن ابی الحدید، خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را در کتاب خود آورده است.[۲]

**نتیجه:**

جستجو و بررسی منابع تاریخی و حدیثی نشان می دهد خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها در کتابهای متعدد شیعه و اهل سنت ذکر شده است گرچه برخی از این منابع به تناسب نیاز بحثی که داشته اند، بخش هایی از خطبه را ذکر کرده اند اما همین مطلب، خود دلیل بر صدور خطبه از جانب آن حضرت است. بنابراین خطبه فدکیه از جهت فراوانی منابع،

---

۱. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکره الخواص*، ص۲۸۵.

۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، *شرح نهج البلاغه*، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۶ ص ۲۱۱ – ۲۱۵، ص ۲۲۳ – ۲۳۴.

بالاترین اعتبار را دارست که ما در اینجا فقط برخی از آنها از را ذکر کردیم.

## کلمات کلیدی:

خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها، خطبه فدکیه، منابع خطبه فدکیه.

## ۵. قبر حضرت زهرا سلام الله علیها

*پرسش:*

روایات متعددی وجود دارد که حضرت زهرا سلام الله علیها در خانه خود دفن شدند، پس چگونه گفته می شود قبر وی مخفی است؟

*پاسخ:*

همیشه از نظر عقلی و عرفی فقط در مواردی می توان به قطعیت و یقین چیزی حکم نمود که در برابر آن، دیدگاه و احتمال دیگری وجود نداشته باشد بنابراین هرگاه در مساله ای بیش از یک احتمال وجود داشته باشد نمی توان در مورد آن، حکم قطعی نمود. درباره محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها در روایات اسلامی و منابع تاریخی، اقوال متعددی وجود دارد از این رو مشخص نمودن محل قبر آن حضرت هیچ گاه امکان پذیر نبوده بلکه همواره مخفی خواهد بود.

### نظرات متعدد در مورد محل قبر حضرت زهرا سلام الله علیها

در منابع روایی و تاریخی متقدم شیعه و اهل سنت، احتمالات متعددی برای محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها بیان شده که به صورت کلی سه قول آن بیان می شود. قول مشهور آن است که حضرت در خانه خود دفن شده است. احتمال دیگر این است که روضه النبی صلی الله علیه و آله یعنی کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله مدفون است و احتمال سوم،

دفن آن حضرت در بقیع است. اکنون هر سه احتمال به همراه مستند آنها آورده می شود. به هر حال، قبر حضرت زهرا سلام الله علیها مخفی بوده و دلیل مخفی بودن قبر ایشان نیز وصیت و درخواست خود آن حضرت در اعتراض به جریان خلافت و غصب حق امیرمومنان علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.[1]

## الف) احتمال دفن در خانه

مرحوم کلینی روایتی در کافی نقل نموده که احمد بن ابی نصر بزنطی از امام رضا علیه السلام درباره محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها سوال نمود، آن حضرت فرمودند:

«دُفِنَتْ فِی بَیْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَیَّةَ فِی الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِی الْمَسْجِدِ؛[2] در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دفن گردید و هنگامی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند، قبر آن حضرت در محدوده مسجد قرار گرفت.»

---

[1]. ر.ک: ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح *نهج البلاغه لابن أبی الحدید*، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ج۱۶، ص۲۸۱.

[2]. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج۱، ص۴۶۱.

شیخ صدوق نیز این احتمال را صحیح دانسته و می نویسد: «وَ هَذَا هُوَ الصَّحِیحُ عِنْدی»[1] برای این احتمال، مویدات دیگری مانند جمله امیرمومنان علیه السلام هنگام دفن حضرت زهرا سلام الله علیها که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند، «ابْنَتِکَ النَّازِلَهِ فِی جِوَارِک؛[2] دخترت که در جوار تو مدفون گردید.» نیز آورده اند.

## ب) احتمال دفن درکنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

احتمال دیگری که درباره محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها بیان شده، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ دلیل این احتمال، روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند:

«مَا بَیْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ؛[3]

بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است.»

این مطلب در منابع اهل سنت مانند صحیح بخاری، موطا مالک بن انس، مسند احمد حنبل و سنن ترمذی با عبارت «بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَرِی» آمده است.[4]

---

[1]. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۵۷۲.

[2]. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، خطبه ۲۰۲.

[3]. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۵۷۲.

[4]. ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، ج ۳، ص ۳۶۵.

## ج) احتمال دفن در قبرستان بقیع

یکی دیگر از احتمالاتی که درباره محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها مطرح گردیده، قبرستان بقیع است. علی بن عیسی اربلی مولف کتاب *کشف الغمه* می گوید:

«مشهور آن است که حضرت زهرا سلام الله علیها در بقیع مدفون گردیده است.» [١]

**نتیجه:**

بررسی روایات شیعه و سنی و همچنین و گزارشات تاریخی نشان می دهد که در محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها اختلاف است لذا نمی توان به صورت قطعی محل قبر آن حضرت را مشخص نمود. نکته دیگر این که گرچه در مورد دفن آن حضرت در خانه خودش احادیث و قرائن متعددی وجود دارد اما به دلیل تعارض این احادیث با روایات و دلایل دیگر، نمی توان بر اساس آنها محل دفن حضرت را به صورت یقینی مشخص نمود علاوه بر آن حتی اگر این قول را بپذیریم که آن حضرت در خانه خود مدفون گردیده، باز هم به دلیل مشخص نبودن محل دقیق قبر آن حضرت، در حقیقت قبر حضرت زهرا سلام الله علیها مخفی است چنانکه قبر امیرمومنان علیه السلام تا زمان امام صادق علیه السلام مخفی بود هر چند می دانستند آن حضرت در نجف مدفون گردیده اما به دلیل

---

[١]. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، نشر بنی هاشمی، ج١، ص٥٠١.

مشخص نبودن محل دقیق قبر ایشان، آن را مخفی می دانستند. یادآوری می شود که این مخفی بودن به دستور خود آن حضرت و در اعتراض به غصب خلافت بوده است و دلیل مظلومیت آن حضرت است بنابراین کنکاش در این زمینه و مشخص نمودن یک مکان به عنوان محل قبر آن حضرت جایز نیست.

**کلمات کلیدی:**

حضرت زهرا سلام الله علیها، قبر مخفی، محل دفن حضرت زهرا.

## کتابنامه

قرآن کریم

١. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، *شرح نهج البلاغه*، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.

٢. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، *شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید*، محقق/مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ١٤٠٤ق.

٣. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ١٣٨٥ش.

٤. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ١٤١٣ق.

٥. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام*، محقق/مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ١٤٠٩ق

٦. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، قم: علامه، ١٣٧٩ق.

٧. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، *بلاغات النساء*، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، بی تا.

۸. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، محقق/ مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.

۹. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.

۱۰. امین، سید حسن، *مستدرکات أعیان الشیعه*، چاپ اول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

۱۱. بحرانی، عبدالله، *عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*، محقق و مصحح: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الإمام المهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ١٤١٣ق.

۱۲. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، *صحیح البخاری*، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.

۱۳. بلاذری، أحمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار وریاض الزرکلی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ١٤١٧ق.

١٤. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، *الذریعه إلی تصانیف الشیعه*، قم و تهران: اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیه، ١٤٠٨ق.

۱۵. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، *السقیفه و فدک*، محقق/مصحح: امینی، محمد هادی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

۱۶. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، محقق/مصحح: مظفر، مشتاق، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق

۱۷. ذهبی، شمس الدین محمد، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الأرناؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.

۱۸. زرکلی دمشقی، خیرالدین بن محمود، *قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین (الأعلام)*، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ پنجم، ۱۹۸۰م.

۱۹. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکره الخواص*، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

۲۰. سیوطی، عبد الرحمن بن الکمال، *الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲ق.

۲۱. شامی، یوسف بن حاتم، *الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللهامیم*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق، ص ۴۷۹.

۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، محقق/مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۲۳. صدوق، أبو جعفر محمد، *الأمالی*، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة، قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۲۴. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج*، محقق / مصحح: خرسان، محمد باقر، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص ۱۰۷.

۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبه*، قم: دار المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱٤۱۱ق.

۲٦. عسقلانی شافعی، أحمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱٤۰٤ق.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی (ط - الإسلامیه)*، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱٤۰۷ق.

۲۸. مبارک بن محمد، ابن اثیر، *منال الطالب فی شرح طوال الغرائب*، مکه مکرمه: جامعه ام القری، ۱۳۹۹ق.

۲۹. مجلسی، محمد تقی، *روضهٔ المتقین*، تحقیق: علی پناه اشتهاردی و حسین موسوی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱٤۰٦ق.

۳۰. مجلسی، محمد باقر، *زاد المعاد- مفتاح الجنان*، تحقیق اعلمی، علاءالدین، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱٤۲۳ق.

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.